



پایداری  
RESISTANCE

چهارشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۱ شماره ۶۴۳۲

ساعت ۱۰ شب بیست و یکم بهمن ۱۳۶۴ که آقا محسن دستور آغاز عملیات را دادند، واحدهای عملیاتی و غواص‌های ما حرکت کردند. یک اضطراب دلهره‌زا فریبده‌ای در فراگرا و وجود داشت که این واحد‌ها بتوانند از ساحل شمالی به ساحل جنوبی روند. برسد. این‌ها فقط در فاصله زمانی مد و خانه که غواص‌ها به رخنه‌های ساحل می‌آمدند، می‌توانستند این کار را انجام بدهند و نباید به جزی می‌خوردند. در ا روند در مد آرامش عجیبی به وجود دارد. آب از ساعت ۱۰-۹/۳۰ شروع می‌کند آرام آرام بالا می‌آید و تا ساعت ۵ صبح این وضعیت ادامه دارد. مد که تکامل شد ساعت پنج و نیم صبح جزی شروع می‌شود و آب با رسودها به سمت خلیج فارس برمی‌گردد و پایین می‌آید. در زمان ورود غواص‌ها وقت و حساسیت ما برای این که بالاخره یک ارتباطی از دشمن را کشف کنیم خیلی زیاد بود اما چیزی پیدا نکردیم. روی ارتباطات خودمان از پایین به بالا تا منطقه خسروآباد و محل عبور و رسیدن غواص‌ها به ساحل جنوبی و نقطه بگن بگان‌ها رفتیم. اولین بگن ما که از ا روند عبور می‌کرد، به ساحل دشمن می‌چسبید و ستر غرقانی‌ها را انصراف می‌داد. ما می‌فهمیدیم ستر غرقانی‌ها ستر شده‌است اما این ارتباط غرقانی‌ها خبری نبود.

آقای رضایی اولین خبری که از این یگان گرفت به من گفت: دو تا از یگان های ما عبور کردند و سنگر عراقی ها را هم گرفتند. سنگر پشتیبانی شان را هم گرفتند و دارند جلو می روند. شب شجر ناریدم گرفتیم نه هنوز بی سیس های عراقی ها را فعلی نشده اند و با ما قرار ندارند. این یگان ها یگان ها و یگان های دشمن را از افلاکگیر کرده بودند، سروسا داشتند. سپس از افلاکگیر دشمن عبور کرده و با واحدهای عقبه دشمن درگیر شده بودند. نیروهای ۱۰ ساعت ۱۰ شروع کرده بودند. حدود ساعت ۲ صبح تقریباً بیشتران را عبور کرده بودند. عراقی ها کاملاً در حال آرامش بودند و واکنشی نشان نمی دادند. یگان ها خطوط اول را پشت سر گذاشتند و به نخلستان رسیدند. سپس از نخلستان عبور کردند و در دره های دوم که درگیر شدند اولین دره های ۱۱۱ به فرمانده یگان گزارش داد که موقت تهاجم قرار گرفته است فرمانده این بلافاصله به دره مافوق گزارش داد که ایرانی ها از سمت ارونده به ماتک کرده اند و الان داخل نخلستان هستند، منتها هنوز به فراگاه نرسیده اند. دره مافوق یگان ۱۱۱ هنوز برپایمان مشخص نبود. وقتی گزارش داد، دره بالاتر به جواب داد منما به بقیه دره های تان آماده باش دهید و هوشار باشید ببینید قضیه چیست؛ چون غالبانی از ایرانی ها در جایی مشاهده نشده است که خود را بخند از آنجا رد شوند.

[illegible]

سودو کو ۴۳۲۰

𐤑			𐤁			𐤀
	𐤀		𐤆		𐤊	
			𐤑			
	𐤆				𐤈	
𐤁		𐤑		𐤊		𐤆
	𐤆					𐤑
			𐤈			
	𐤑		𐤀		𐤊	
𐤀				𐤆		
					𐤆	
					𐤈	

۲			۸			
	۳		۱	۵		۴
			۳			
	۴					۹
۹		۶		۱	۵	۷
	۸				۱	
			۵			
	۹		۳	۸		۲
۱			۴			۳

Δ			ε			Υ
Υ		Ψ	η		Ι	
		Ψ				
ε					Λ	
Ψ		Υ	η		Ψ	Δ
	Δ				Υ	
			Ψ			
	Λ	Υ	Υ		Ψ	
			Ι			Υ

		Λ						
		1						
				ρ				Υ
	Υ		ρ		ω		ρ	
				q				
	Λ						q	
ρ		ω		Λ		1		ρ
	ρ						ρ	
				ρ				
	ρ		q		1		ρ	
Υ				ρ				q

### ۳۷ سال بیش در چنین روزهایی حمله والفجر ۸ در جریان بود



**مehدی مهورآبادی**  
رئیس‌دی مهورآبادی  
دیرگروه پایداری

**رادار رازیت در مناره مسجد فاو**

۴) در ابتدا می‌خواهیم دربارهٔ روزهایی صحبت کنیم که همه این‌ها بدین‌دغدغه و نگرانی را داشتند که دشمن هوشیار است یا به قصد فریب دادن ما به ظاهر با آرایش رفتار می‌کند و ممکن است یگان‌ها را در آن سوی ساحل با مشکلاتی مواجه سازد. با شروع عملیات اولین عمل‌های دشمن چه بود؟ همان وضعیتی را داشت که ما قبل از عملیات تحلیل کرده بودیم اما توضیح جدیدی مواجه شدیم؟ عمل‌های دشمن را در دو سه روز اول عملیات توضیح بدهید.

علی اسحاقی: دشمن در منطقه عمومی فاو یک مقدار به منطقه حساس شده بود و در امتداد جاده ابحار تعدادی دیدگاه دیدهبانی زده بود. در مناره مسجد قائم هم دستگاه ادا رازیت مستقر کرده بود. ادا رازو سه روز قبل از عملیات آورد، ولی هنوز فعالش نبود که ارتباط برقرار کند. اگر این کار را می کرد، چون مناره بلند و به منطقه مسلط بود که دیدگاه حاشیه ورود راحت می توانست این سوی اوردن را کنترل کند و درخت ها برایش مانع نبودند.

## ❄ سکوت رادیویی برقرار بود

**❓ چرا این کار را کرده بود؟ احتمالا اخباری به دست آورده و حساس شده بود.**

اسحاقی: بر اساس اخباری که جمع‌آوری کرده‌بوند، حساس شده و آمدیوبند برای تقویت دیدگاه مراقبتی، در این منطقه قریب ۱۱۱ پیاده عراق که یک تنیاب دارد مرزی دریا شتقر شده‌بوند. این تنیاب چهار گزاد داشت و گردان پایگاه شتقرت شده‌بوند. آنها در امتداد ساحل عبور جرد، و امتداد ساحل را به پایگاه‌های امنیتی - اطلاعاتی داشتند که در هر یک از این پایگاه‌ها یک تیربار قرار داده‌بوند و دو تا سه نفر در آن دیده‌بانی می‌کردند. یک سنگر عقبه هم داشتند که پشتیبانی‌شان می‌کرد و محل استراحت‌شان هم بود. در طول شبانه‌روز نیز هوای پایگاه سه جرد هفت تیربار می‌شد. عراقی‌ها بی‌سیم ارتباط داشتند و سکوت را در پی می‌بردند. از طریق یک ارتباط بی‌سیم نمی‌توانستیم متوجه اقدامات آنان شویم ولی پایگاه‌ها آنها را از کدلی که در خسروآباد دیده‌بندی، رت و نظر داشتیم، رفت و آمد گردوهای پشتیبانی و خودروهای گذاشتن را به جنوب روند. ساحل مشاهده می‌کردیم. هم فرسادی می‌دیدیم، این‌ها چطور می‌روند و می‌آیند، راحل‌شان هم کاملاً سیم خرد شده‌بوند. شد‌بوند. ضمن این که خاکریز دیدنی پشت آن‌ها هم تکمیل کرده‌بوند.

**صبح بی سیم عراقی‌ها باز شد**

اینها را به استناد شنود مکالمات آنها می‌گویید؟



اسحاقی: اینجا دیگر راز دیوار بوده و ما مکالمات شان را دریافت می کردیم. هنوز گزارش بعدی تیپ ۱۱۱ مخابره نشده بود که گردان ۲ تیپ ۱۱۱ گفت به من تک شده است و واحداهای پایگاه های ساحل را از دست دادند و تعدادی شان دارند به سمت فاو فرامی کنند. فرمانده تیپ گفت باید آنها را حفظ کنی و نگه داری. کجا فرار کردند؟ چه کار دارند می کنند؟

تاصبح دو گردان به فرمانده تیپ گزارش دادند. ساعت ۹ صبح گردان ۳ تیپ ۱۱۱ هم خورد. تعدادی شان داخل نخلستان مقاومت می کردند و تعدادی هم فرار کردند. یگان های ما نزدیک ظهر به قراگاه تیپ ۱۱۱ که داخل شهر فاو بود رسیدند. بجه های ما وقتی از داخل نخلستان های حاشیه ارونند به جاده الحار رسیدند، فرمانده قراگاه

تیپ ۱۱۱ که یک نفربر تاکتیکی داشت، سوار نفربر شد و بالای منطقه فاو آمد و روی جاده مستقر شد و اطلاع داد تیپ من دارد سقوط می‌کند. گفت ایرانی‌ها آمده‌اند و دارند به مقر تیپ تیراندازی می‌کنند.

فرماندهان این تیپ از محل قراگاهش بیرون رفته بود. از آنجا که فرانکسش عوض شده بود، ما متوجه شدیم جابه جا شده است. بعد که پیگیری کردیم، فیملیدی با مقررین رفته است. درامافوش به او هشدار می داد یا مقاومت کنی، درخواست نیروی کم کرد. می گفت شما مقاومت کنید رباتان نیرو می فرستیم. عملیات ابرانی ها عملیات کبیک عملیات اذانی است؛ عملیات اصلی نیست که رباتان مشکل ایجاد کند. او با روحیه می داد؛ بخ این اولین دستاورد ما بود که در ده های عراقی بود که ما دریافت کردیم و طولی نکشید قراگاه تیپ ۱۱۱ به دست رزمندگان ما افتاد.

تا عصر روز بیست و یکم تقريبا هم سایت موشکی و هم جاده ابجران تا زیر منطقه کارخانه نمک تصرف شد. البته یگان‌های ما هنوز به کارخانه نمک و ساحل خورعبدا... نرسیده بودند. این خبر وقتی به سپاه هفتم رفت تیپ ۱۱۵ به کمک تیپ ۱۱۱ فرستاد که آنجا منطقه ما، القصص، منطقه ما موریت سپاه هفتم بود و این یگان‌های فرستاده که تاجا بودند و همچنین واحدهای درباری همگی زیر نظر سپاه هفتم عمل می‌کردند.

**آماده باش به گارد ریاست جمهوری!**



تیپ ۱۱۵ احتیاط منطقه بود یا آن را از جای دیگری آوردند؟

اسحاقی: «احتیاط» به منطقه نزدیک بود که توانست روز بیست و دوم خودش را به منطقه دیگری برساند؛ ولی قبل از این که به فاور شد، یگان های ما که در شمال فاور بودند، به طرف جاده استراتژیک می رفتند که با این تیم دیگر شدند و آن را زدند و یگان ۱۱۵ به قارگاه ۱۱۱ رسید. در واقع روز بیست و دوم مقاومت چندانى مقابل یگان ۱۱۵ هم انجام نشد و نیروهای آتش توپخانه جدی با تلاش قابل توجهی به وسیله یگان های مایکوپتر و نیروهای جوی و هوایی و یگان ها با همان نیروهای محلی دشمن یعنی تیم ۱۱۱ و تیم ۱۱۵ را درگیر کردند و به اهداف خودشان در منطقه فاور، جاده العجرا، جاده استراتژیک و سایت موشکی رسیدند.

وقتی اولین نیروهای ما به ساحل دشمن رسیدند و مقاومت زیادی را در مقابل خود دیدند. آقا محسن روی این تحلیل تأکید کردند برخلاف بعضی احتمالات که قبل از عملیات بررسی می‌کردیم و می‌گفتیم محتمل است در ساحل با مقاومت دشمن مواجه شویم، این مقاومت وجود ندارد؛ بنابراین آنجا گفتند ما ۲۸ ساعت فرست داریم از وضعیت موجود حداکثر استفاده را بگیریم و به جایی که قابل دفاع است برسیم.

اسحاقی، یعنی به خط نهایی؛ آخرین جایی که محل دفاع ما بود و می خواستیم آنجا دفاع کنیم. در فوار، در ۲۴ ساعت اول، واقعا هرزد که با تلاش ما به سرعت و شدت پیش می رفت، برای ما موفقیت آمیزتر بود. بعد از ۲۴ ساعت، آقای رضایی جلسه گذاشتند. آنجا من به ایشان گفتم عراق به گارد، آماده باش داده است، چون ما یک خبر داشتیم که به لشکر گارد ریاست جمهوری آماده باش داده اند.

ادامه در صفحه پایداری هفته بعد